



۲۰۱۶/۱۲/۱۴



م. نسیم اسیر
ملک الشعراى افغان ها در هجرت

بخشایش!

آژانس پژواک خبر داد که بروز ۱۷ قوس ۹۵ یک گروه مهم حزب اسلامی، به شمول معاون نظامی حزب، از طریق بندر تورخم به کشور بازگشت و از طرف یک هیئت امنیتی به رهبری آمر امنیت قوماندانی امنیه ننگرهار در تورخم استقبال شد و آمادگی هایی برای بازگشت امیر صاحب حزب هم به وجه احسن در نظر گرفته شده است تا به آسودگی و صلح و سلام زندگانی کند، و علاوهً طبق یک خبر تازه دیگر، وزارت خارجه طی مکتوب رسمی عنوانی ملل متحد، درخواست حذف نام «حکمتیار» از لیست سیاه ناقضین حقوق بشر را نموده است.

گر چه صلح با جنگجویان جنایتکار، از ضروریات سرزمین ماست، اما مصالحه با خونخوار ترین تنظیم جهادی، «حزب اسلامی حکمتیار» و دادن امتیازات بیحد و حصر به امیر خونخوار و پیروان خون خوارترش، سؤال های زیادی را در سطح ملی و بین المللی خلق کرده است، بخصوص در بین باشندگان مظلوم کابل که تا هنوز زخم های خونین از دست دادن عزیزان و ویرانی خانه و کاشانه خود را، با راکت پرانی های بی موردش از یاد نبرده اند. در اوایل جهاد با تشکیل تنظیم های هفتگانه در پاکستان، مهاجرین افغان در المان، شاهد مداخلات صریح یک عده افغانان پیراهن تنبان پوش بودند که خود را پیروان «حزب اسلامی» می خواندند و به خود اجازه می دادند تا در محافل خوشی خانواده ها، مداخله و با هتک حرمت، آزار و اذیت و اهانت اهل مجلس، مانع گردهمایی با خوشی و خندیدن مردم شوند. در آن فرصت که ما، در حوالی شهر بن، پایتخت المان غرب اقامت داشتیم، متوجه شده بودیم که بیشترین سفرها را جهت جلب کمک و شناسایی با مقامات خارجی، «حکمتیار» انجام می داد. محافل دیدار با مهاجرین توسط «کریم مهاجرزاد»، نماینده حزب، بیشتر در شهر بن که در آن زمان پایتخت المان غرب بود، برگزار می شد. مهاجرین مقیم المان نیز با نفرتی که در برابر تهاجم اتحاد شوروی و ایادی شان، خلقی و پرچی داشتند، از وی به حیث مجاهد نجات دهنده وطن به گرمی استقبال می کردند، متأسفانه از همان آغاز، خشونت و خودپسندی در رفتار و کردار «حکمتیار» به مشاهده می رسید، اما تصور نمی شد با شکست دشمن و بازگشت به کابل، با همدستی تنظیم های خود سر دیگر، در بدل التیام زخم های خونین مردم، بر زخم ها و نا آرامی ها بیفزایند و خانواده ها را ماتمдар و شهر زیبای کابل را به ویرانه مبدل بسازند و اینک امروز از همه مزایای زندگی برخوردار گردند. منظومه ای که یازده سال پیش سروده شده است تقدیم می گردد:

به دشمن بار دیگر، جرئت اظهار بخشیدند
به بد خواهان مردم لذت شهد و شکر دادند
به درباری که خالی بود، او را بار بخشیدند
به یاران موافق طعم زهرمار بخشیدند

هنوز از دامن قصاب، داغ خون نشد زایل
گنجهکاری که خون مردمانش بود در دامن
کی می پرسد غم از حد فزون درد مندان را
به جلادی که از خونخواری اش، جمعیت مردم
سرم از این سیاست بازی دشمن به درد آمد
مزاج پاکبازان وطن را سخت آزرده
چه حکمت بود یارب در حکومتداری کابل

ز بهر قتل عامش، تیغ جوهردار بخشیدند
به آب عافیت شستند و دیگر بار بخشیدند
که پیش چشم شان بر قاتل خونخوار بخشیدند
سرا پا رنج بود و محنت و آزار، بخشیدند
سری را کز خیانت بود، باب دار، بخشیدند
ز نیکوکار، ببریدند و بر بد کار بخشیدند
«عمر» را دُرّه دادند و به «حکمتیار» بخشیدند

« اسیر» این قاتلان سنگدل را من نمی بخشم
اگر آدم کشان را دیگران صد بار، بخشیدند

م. نسیم «اسیر» ۱۱ می ۲۰۰۵م، فرانکفورت

